

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبه‌هنگ راد

۲۱ فروردین [حمل] ۱۳۸۹

۱۰ آپریل ۲۰۱۰

مگر بدون به کارگیری سلاح،

می‌توان حکومت مستبدان را به زیر کشید؟

چند دهه‌ای است که رژیم جمهوری اسلامی با تمام قواء و با تمامی امکانات پلیسی جنبش‌های اعتراضی را سرکوب می‌نماید و تاکنون جان هزاران تن از مخالفین و معترضین را گرفته است. پرونده رژیم جمهوری اسلامی در این زمینه بسیار کلان است و هر روز، کلان‌تر هم می‌شود. مگر انتظاری در خلاف این از جانب سران حکومت وجود دارد و مگر جمهوری اسلامی می‌تواند صرفاً و صرفاً با اتخاذ سیاست‌ها و روش‌های نرم حکومت‌داری کند؟ جمهوری اسلامی با سرکوب زاده شده است و با قهر انقلابی هم ساقط خواهد شد. راهی خلاف آن امکان پذیر نیست و راه انتخابی مدافعین و مبلغین سرمایه که کم هم نیستند و از عدم به کارگیری "خشونت" از جانب نیروهای انقلاب سخن می‌گویند، نمی‌تواند چاره ساز باشد و در خدمت به رهایی و در خدمت به تحقق منافع ملیون‌ها انسان محروم نیست. به تجربه دیگر جنبش‌ها و اعتراضات و مهمتر از همه این‌ها به تجربه اعتراضی جوانان و توده‌های محروم طی سه دهه اخیر نگاهی بیندازیم و نشان دهیم که کدامین سیاست‌ها و کدامین اسلوب‌های مبارزاتی می‌تواند بساط ظالمان را بر چیند و پرچم جامعه عاری از استثمار و ستم را برافرازد.

سی سال تلاش و مبارزه، سی سال در بدری و سی سال پرداخت هزینه، سی سال بدون دست‌آوردهای کلان و هدف‌مند، نمایان‌گر آن حقایق و بی‌ثمری مبارزه‌ای است که در مقابل‌مان قرار دارد. به غیر از این است که عنصر مستبد و دیکتاتور به منظور تأمین منافع خود نیاز به سرکوب و خفه نمودن مخالفین خود دارد؟ مگر این طبیعت مبارزه طبقاتی نیست؟ مگر این طبیعت منافع دو طبقه متضاد از هم نیست و مگر نفس سیاست حاکم بر طبقات و نیروهای ضد انقلاب، راه‌اندازی جنگ و به کارگیری خشونت و خون و خونریزی علیه محرومان نیست؟ خلاف این‌ها را نمی‌توان در دنیای سرمایه‌داری یافت و بدون کمترین تردیدی این نظام‌های سرمایه‌داری و دیکتاتوراند که مدافع و مبلغ آنند.

رژیم جمهوری اسلامی هم به عنوان بانی و حامی خشونت و مدافع سرمایه‌های امپریالیستی، همه راه‌های آرام و مسالمت‌آمیز را بلوکه نموده است. سلاح جمهوری اسلامی هم تاکنون از چنین کارکردی پیروی نموده است و در مقابل، راهی به غیر از پاسخ‌گویی عملی و تعرض به جان و مال حکومت‌مداران از جانب مدافعین منافع مردمی باقی نگذاشته است. به این دلیل روشن که نظام‌های سرمایه‌داری تا خرخره مسلح‌اند و به یمن آن، جامعه انسانی را به مسیر قهقرائی کامل سوق می‌دهند و شیرۀ جان کارگران و زحمتکشان را می‌مکند و به یاری ارگان‌های مسلح و سرکوبگر خود بر حیات به ناحق خویش تداوم می‌بخشند. به غیر از این است که تاکنون رژیم جمهوری اسلامی هرگونه اعتراضات آرام و مسالمت‌آمیز را به خاک و خون کشاند؟ به غیر از این است که اجازه هرگونه تشکل و تشکیل نهادهای مردمی را از آنان سلب نموده است و تشکلات دست‌ساز و نهادهای دلخواه خود را به ملیون‌ها انسان محروم تحمیل نموده است؟ به غیر از این است که سران حکومت در عمل به اثبات رسانده‌اند که حتی تحمل "خودی"ها را هم ندارند و زبان و منطق‌شان در مقابل هرگونه مخالفتی به کارگیری سلاح، زور و شکنجه است؟ آیا باز هم نیازیست تا به نتایج مبارزه "آرام" و "مسالمت‌آمیز" اشاره نمود و نشان داد که نه تنها راه انقلاب ایران، از راه انتخابی تاکنونی عبور نخواهد کرد بلکه بر انبان هزینه‌ها هم خواهد افزود؟

در این سی ساله دشمنان کارگران و زحمتکشان، ایران را به میدان تعرض خویش تبدیل نموده‌اند و با اندک نیروی خودی ولی سراپا مسلح، جامعه و زندگی توده‌های ستم‌دیده را به نابودی کامل می‌کشانند. به زور و با اتخاذ سیاست‌های ارتجاعی بر سرمایه‌های خود می‌افزایند و دنیای انسانی را به سخره می‌گیرند. بساط اینان باید بر چیده شود. چرا که سرمایه و مدافعین آن، صلاحیت انتخاب چگونه زیستن برای سازندگان اصلی جامعه را ندارند. به دلیل این‌که ماهیت و رسالت‌شان با دنیای انسانی و عدالت‌خواه در تضاد قرار دارد. تاریخ و تجارب مبارزاتی در این زمینه بسیار فراوانند و نیازی به نگاه دورادور نیست تا به درستی و یا به نادرستی سیاست‌ها و تاکتیک‌ها پی بُرد. همین چند روز قبل بود که در گوشه‌ای از جهان سرمایه‌داری یعنی در قرقیزستان، مردمی خشمگین و عصیان‌زده به دلیل زندگی محنت‌بار به خیابان‌ها سرازیر شدند و با سلاح بساط کاخ‌نشینان را بر چیدند. آنان در عمل نشان داده‌اند که مبارزه انتخابی و تحمیلی مدافعین سرمایه ره به جایی نخواهد بُرد و بر فلاکت و بدبختی‌های‌شان خواهد افزود؛ نشان داده‌اند که وعده و عیدهای سران نظام‌های جابرانه پوچ است و به کارشان نخواهد آمد. به همین دلیل سلاح را بر هر گونه روش‌های نافرجام مقدم شمردند و این‌بار و بدون انتخاب سیاست‌های سازش‌کاران و خودفروشان سیاسی راه مقابله را بر گزیدند و سینه دشمنان کارگران و زحمتکشان را نشانه گرفتند؛ نشان دادند که بدون اتخاذ سیاست‌های تعیین‌کننده و بدون به کار بستن سلاح در مقابل دشمن مسلح نمی‌توان به آزادی و به خواست‌های اولیه خود دست یافت؛ نشان داده‌اند که قهر ضد انقلابی را می‌توان با قهر انقلابی در هم شکست. این‌ها از زمره طبیعت و بدیهیات مبارزه در جهان سرمایه‌داریست و بی تردید در جوامع بسته و خشنی همچون جامعه ایران، نمی‌توان خلاف آنچه را که - جدا از تفاوت‌های سیاسی، اقتصادی و سیاست‌های حاکم بر آن - در قرقیزستان اتفاق افتاده است را پیشه خود ساخت. واضح است که این نوع روش و مبارزه در مقابل نظام‌های سرکوبگر و خشن امتحان خود را پس داده است و باید اذعان نمود که بدون انتخاب آن، امر انقلاب به پیش نخواهد رفت و دشمنان کارگران و زحمتکشان همچنان میدان‌دار خواهند بود.

جبر تاریخ و علی‌رغم خواسته‌های باطنی ناپیگیران منافع مردمی، انقلاب، دستداران واقعی آنرا به چنین مسیر تعیین‌کننده‌ای سوق خواهد داد. چرا که به اثبات رسیده است که این مستبدان‌اند که بانی و مدافع خشونت‌اند و بر خلاف مشاطه‌گران و سازش‌کاران خشونت با منفعت سرمایه‌داران عجین شده است و بی دلیل هم نیست که حکومت‌گران به کُشت و کُشتار توده‌ها می‌پردازند. بنابراین عکس‌العمل مثبت در برابر چنین سیاستی یعنی به کار بستن زور انقلابی در مقابل زور ضد انقلابی نه تنها امری طبیعی و به جاست بلکه باعث خواهد گردید تا بساط مستبدان و حاکمان زورگو بر چیده شود. به اثبات رسیده است که پائین آوردن هرگونه هزینه خسران‌ساز با انتخاب مبارزهٔ ثمربخش مربوط می‌باشد.

بنابراین لازم و ضروری‌ست تا مروری تازه به تجارب مبارزاتی برجای مانده و سودمند انداخت و از آن‌ها آموخت و به عنوان سازمان و عناصر مدافع منافع توده‌های محروم، زمینه‌های فعالیت تمام‌کننده را فراهم نمود و جنبش‌های اعتراضی را از دوران بی‌ثمری به دوران ثمربخشی رهنمون ساخت. مضافاً این‌که دیده شده است تبلیغ و انتخاب هرگونه سیاست و تاکتیک‌های نافرجام تاکنونی در ایران بر عمر مستبدان و حاکمان زورگو افزوده و زندگی کارگران و زحمت‌کشان را به تباهی هر چه بیش‌تری سوق داده است. به عبارتی واقعی باید گفت که جواب هر حکومت مستبد و زورگو سلاح است و طبعاً بدون مسلح شدن به آن، جامعهٔ ایران طعم آزادی و رهائی را نخواهد چشید. به راستی که سوال این است آیا می‌توان قدرت اهریمنان را بدون استفاده از چنین ابزاری درب و داغان نمود و حاکمیت کارگران و زحمت‌کشان را برقرار نمود؟